

# رفتارشناسی

و

# آموزش و تربیت

# اسبها

ترجمه و تالیف: مهندس غزاله منتظم

## غرایز طبیعی اسبها در گله:

بهترین روش برای فهم رفتار اسبهای اهلی شده این است که به طرز رفتار اجداد آنها در گله و حیات وحش توجه کنیم. طرز رفتار اجداد اسبهای اهلی شده کاملاً برگرفته از عوامل محیطی بوده است. اسب حیوانی است اجتماعی و از با هم بودن لذت می برد. اسب ها بیشتر شکار هستند تا شکارچی و در صورت احساس هرگونه خطر، فرار را بر قرار ترجیح می دهند. اسبها به طور گسترده ای از زبان بدن (عکس العمل هایی که اعضاء بدن با اشارات خود بروز می دهند) در میان گله استفاده می نماید. فهم این علائم می تواند به شما در کار با اسب بسیار کمک نماید.

## زبان بدن اسبها:

زبان اسب ، زبانی کاملاً قابل پیش بینی ، قابل تشخیص و تاثیر گذار است. وظیفه ماست تا جایی که امکان دارد این زبان را یاد بگیریم. این زبان چیست؟ زبان بدن یا زبان اندامی (حرکتهایی که اسب به اندام خود می دهد هر کدام مفهوم خاص خود را دارند) این بسیار وظیفه مهمی است برای آنانی که می خواهند با اسب سرو کار داشته باشند و در کنار اسب به خوبی زندگی کنند و رابطه برقرار کنند تا بتوانند او را درک کنند. در اینجا يك رابطه دو طرفه پایه گذاري مي شود و آن چیزی نیست جز رابطه زبان اندامی ؛ چرا دو طرفه ! چون اسب علامتی می دهد و ما هم علامتی در جواب او. مثل دو انسان با هم حرف می زنیم یا نجوا می کنیم که البته این نجوا کردن با اسب يك اصطلاح است که در واقع همان زبان اندامی است. (body language) اگر این مهم یعنی زبان اندامی را فرا نگیریم، قدمی هم به اسب نزيك نخواهیم شد. اگر ما زبان اندامی را ندانیم چگونه می توانیم درك کنیم که امروز اسب ما در چه حالت روحي قرار دارد یا چگونه درك کنیم که اسب ما دلش درد می کند و نمی تواند به ما سواری دهد. بررسی وضعیت درونی اسب از طریق چشمان ، گوشها ، وضعیت صورت و دم و صدا ، تعرق و نحوه گام برداري امکان پذیر است که در این بخش به صورت خلاصه به آن اشاره می شود. قبل از شرح آنها بهتر است گفته شود اسب ها حیوانات اجتماعی هستند و شکار شکارچیان و انتخاب زندگی گله وار امنیت و شانس بقاء را براي آنها تامین کرده است و به دلیل شکار بودن آنها بسیار ترسو

وعصبی هستند و در واقع منطقی نیست که از اسبمان بخواهیم که هیچ وقت نترسد. ولی می توانیم طوری تربیتش کنیم که در هنگام ترس هم واکنشی کنترل شده از خود نشان دهد.

مکالمه اسبها ترکیبی است از چند نوع صوت و گستره وسیعی از علامتهای بدن. هر اسب از همان کره گی، زبان مکالمه خود را وابسته به شرایط و تجارب خود توسعه می دهد. به طوریکه هر وقت اسب از علامت صادره از بدنش نتیجه مطلوب را اخذ نمود، آنگاه به استفاده دائمی از آن می پردازد. با مطالعه حرکات بدن اسب و نگاه کردن به آنها می توانید متوجه زبان بدن آنها شوید و نحوه مکالمه با آنها را فرا بگیرید و به این روش در کار با اسب موفقیت های چشم گیری به دست خواهید آورد. به این منظور جزوه ذیل تقدیم می گردد:

### ❖ وضعیت ظاهری صورت:

در اولین نگاه به صورت اسب مشکل بتوان پی به گنه ضمیر او برد. این علائم بسیار متنوع و شامل علائم لبها، منخرین و حالت چشمان اسب هستند. باید با اسب زندگی کرد تا به این علائم پی برد و این زندگی برای دوستداران این حیوان بسیار شیرین است.



## صورت اسب تا چه حد بیانگر حالات آن است؟

زبان پر از ریزه کاری و پیچیده بدن اسب حالات مختلف چهره اسب را نیز در بر می گیرد که این حالات البته به اندازه حالات چهره انسان تکامل یافته نیستند ولی با این وجود می توانند بسیاری از حالات درونی و عواطف حیوان را نشان دهند.

آغازین ترین حالت چهره که در یک کره جوان دیده می شود حالتی است که به نام "هوا گاز زدن" معروف است. در این حالت، حیوان دهانش را باز کرده، گوشه های دهانش را باز کرده، گوشه های دهانش را به عقب می کشد و در حالی که دندان هایش نمایان است شروع می کند به باز و بسته کردن فک هایش. گاهی اوقات دندان ها به هم بر خورد می کنند و گاه هم نمی کنند. اگر با هم بر خورد می کنند صدای بر خورد آنها به گوش می رسد که بعضی این عمل را "دندان به هم زدن" نامیده اند. بعضی دیگر تاکید را بر باز کردن فک ها گذاشته و آنرا "فک جمبانی" یا "فک زدن" خوانده اند. هدف از این کار اعلام حالت تسلیم است و معنای آن این است که: "من تنها یک بچه ام و قصد آزار را ندارم بنابراین خواهش می کنم به من آسیبی نزنید". این عمل در مقابل هر اسب بزرگ یا اسب غریبه ای که به او نزدیک شود صورت می گیرد. این عمل ادامه می یابد تا وقتی که اسب های جوان به سه سالگی می رسند که آنوقت این حرکت به کلی قطع شده و در واقع نقش اصلی آن در زندگی اجتماعی اسب ها به وضوح حفاظت از تازه وارد های ضعیفی است که به گله وارد شده اند.

خصیصه عجیب در عمل "فک زنی" این است که اول تا حدودی به نظر خصمانه می رسد. گویی که حیوان جوان ادای گاز گرفتن را در می آورد. ولی اسب های عاقل تر مرتکب این تعبیر غلط انسان ها نشده و نسبت به آن، واکنش متناسب با مفاد آن در زبان اسبی را که همانا یک دعوت برای دوستی و مؤانست است از خود نشان می دهند. وقتی دو اسب با هم روبرو می شوند غالباً دوستی خود را با معانقه متقابل نشان می دهند - هرکدام یال یا قسمت دیگری از پوست آن یکی را با نرمی دندان می زنند. این گونه معانقه یا کمک متقابل تنها وقتی میسر است که هیچگونه ناراحتی یا تهدیدی میان دو حیوان موجود نباشد. بنابراین یک چنین حرکتی دارای جنبه ای کاملاً غیر تهاجمی است. با نشان دادن چنین حرکتی با دهانش، کره جوان به زبان اسبی می گوید: "من دوست و موافق هستم" و به این ترتیب از گزند هر گونه خصومتی از سوی اسبهای بالغ در امان می ماند.

درست برعکس این فک زدن وقتی است که فک ها به گونه ای منقبض از هم باز نگاه داشته می شوند و دندان ها کاملاً نمایان می گردند. این یک تهدید واقعی است که به هنگام نزاع به منزله اخطاری از یک جمله قریب الوقوع ارائه می شود.

غالباً همین کافی است که بدون وارد شدن د ریک برخورد عملی، رقیب را دور کرد. در موارد کمتر خشن و چشم آگین، نیروی تهاجمی حبس شده یک اسب از طریق دهان بسته و لب های به هم فشرده نشان داده می شود. سایر اشکال ناراحتی یا انقباض از قبیل ترس، اضطراب و درد نیز همراه با یک دهان به هم فشرده است که درست نقطه مقابل لب های ول و راحت یک اسب آرام یا یک اسب از پا افتاده است. وقتی که اسب خواب آلود است، اغلب لب پائینش را ول می کند که به پائین بیفتد.

یک نریان وقتی از نظر جنسی تحریک و فعال می شود غالباً حالت عجیبی را نشان می دهد که به " فله من" معروف است.

او این کار را در مقابل بوی ادرار مادیان انجام می دهد، که عبارت است از جمع کردن لب بالا به طرف بالا برای نشان دادن دندان ها و لثه های بالا. او سرش را به طرف جلو دراز می کند و در این حال به نظر می رسد که دارد با حدت هر چه تمام تر هوا را بو می کشد.

این حرکت و حالت حیوان، علاقه و توجه شدید او را نسبت به رایحه مادیان نشان می دهد. گاه گاهی یک ماده شیمیایی که بوی عجیبی دارد این واکنش را متوقف می سازد و همین حالت در مادیان هم دیده می شود. گاهی یک مادیان نیز حالت "فله من" را در مجاورت ادرار یک مادیان دیگر انجام می دهد و روی همین اصل گاهی اصطلاح صورت نریان (چهره نریان) برای این حالت مادیان به کار می رود، این حالت به طور قطع بیشتر در نریان ها دیده می شود.

همان طور که انسانها برای نشان دادن انزجار دماغشان را چین و چروک می دهند، بینی اسبها نیز چین و چروک می خورد و درست شبیه ما انسانها، اسبها نیز وقتی که در یک حالت هیجان یا عاطفی شدید قرار می گیرند؛ پره های بینی شان باز می شود. از آنجا که اسبهای عرب دماغهایشان همیشه با پره باز به نظر می رسد، (این به خاطر تنفس عمیق در صحرا و بیابان است) بیشتر از سایر نژادها این حالت را القاء می کنند که آنها همواره هشیار و هیجان زده هستند.

## ❖ چشمان:

از چشمان اسب می‌توان تا اندازه‌ای به شخصیت و خلق و خوی او پی برد، چشمان آرام و شفاف با نگاهی ملایم بیانگر موجودی مهربان است. چشمان کوچک با نگاهی نامهربان نشانه بدخلقی است. چشم سفیدی علامت پر تحرکی و گاهی غیرقابل کنترل بودن است.

چشمان ناآرام علامت پریشانی است و در مورد اسبی که تازه جابه جا شده است و هنوز به پرستار و محیط جدید خو نگرفته است، غیرطبیعی نیست. اگر با چنین اسبی به درستی رفتار می‌شود و همچنان پریشانی از چشمانش مشهود است، بایدگفت که حیوان در جایی از بدنش دردی دارد، در این حالت باید دامپزشک خبر کرد.

چشمهای اسب معمولاً وقتی که حیوان درد دارد یا از پا افتاده است بسته اند. وقتی دچار ترس، اضطراب یا دل نگرانی است، آنها کاملاً باز می‌شوند. به هنگام خشم آنها به عقب نگاه می‌کنند. در چشم های یک اسب خشمگین فقط قدری از سفیدی چشم پیدا است، چونکه چشمها به طرف عقب برگشته اند. ولی هر وقت که در چشم اسب، سفیدی کمی را مشاهده کنیم اشتباه است که فوراً نتیجه بگیریم حیوان حتماً خشمگین است؛ چرا که ممکن است حیوان توجهش به چیزی در پشت سر جلب شده باشد.



## اسب چگونه می بیند؟

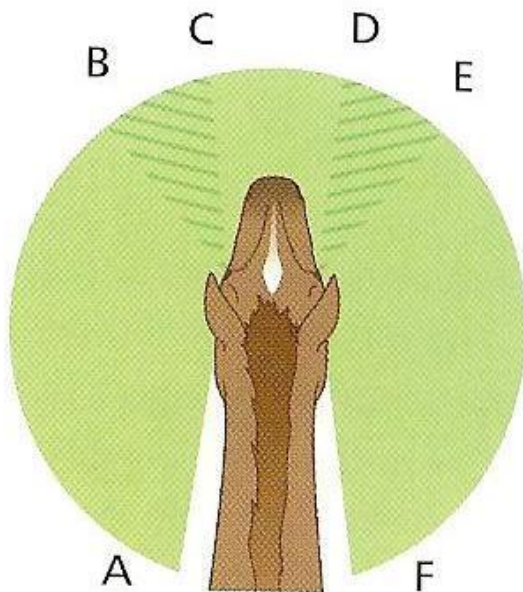
اگر بخواهیم چشم اسب را با انسان که دارای مردمکی کاملاً گرد است مقایسه کنیم؛ مردمک چشم اسب بسیار بزرگ بوده و در نتیجه دیدی وسیع تر اما با عمق کمتر ایجاد می نماید. چشم های اسب در کنار صورت آن واقع شده اند و در نتیجه از کنار و از هر طرف در حدود 160 تا 170 درجه وسعت دید دارند. این به این معنی است که اسب در هنگام چرا می تواند تقریباً در حدود 360 درجه اطراف خود را زیر نظر داشته باشد، به جز منطقه ای که درست در پشت سر (پشت کپل) آن واقع است.

اسب می تواند از دو چشم خود به طور جداگانه و مجزا استفاده نماید که به این پدیده بینایی " تک دیدی" گفته می شود و به این معنی است که با هر چشم دید کامل و منحصر به فرد است. همکاری و همدیدی دو چشم است که باعث تشخیص فواصل می شود. اما این نوع دید فقط در ناحیه باریکی در جلوی چشم اتفاق افتاده و باعث تشخیص فواصل می گردد؛ در نتیجه فواصل اجسام نیز فقط وقتی مشخص خواهند بود که در این ناحیه بینایی قرار بگیرند.

در زیر ناحیه فوق یعنی جایی که دو چشم با هم اجسام را دیده و تشخیص فواصل وجود دارد، ناحیه دیگری است که اسب آن را مه آلود و کدر می بیند. تحقیقات نشان داده است که اسبها Dichromate هستند. این به این معنی است که آنها دارای بینایی با تشخیص رنگی محدود هستند. آنها می توانند بین تیره و روشن و بین رنگهای قرمز و آبی را خوب تشخیص دهند؛ اما بین خاکستری و سبز تمییز نمی دهند و به همین علت است که برپا ساختن موانع سبز یا خاکستری در مانژ های چمن رایج نیست.

## ○ اسب چگونه دید خود را متمرکز می کند؟

نشان داده شده است که چشم های اسب به طور طبیعی تک به تک بر روی اشیاء ثابتی که در فاصله دور قرار دارند متمرکز می شوند. این وقتی معنی پیدا می کند که اسب را به عنوان یک شکار و فرمانبردار در طبیعت و حیات وحش بنگریم. برای دیدن اشیاء در فاصله نزدیک لازم است، اسب لنز چشم خود را متمرکز نماید. همواره تصور می شده است درست برعکس انسان که دارای توانایی تطابق است، اسب نمی تواند شکل لنز چشم خود را برای تطبیق دید نزدیک و دور تغییر دهد تصور براین است که برای همین تطابق دید است که اسب سر خود را به بالا و پایین حرکت می دهد.



#### میدان دید اسب:

میدان دید اسب تقریباً به کل بدن آن وسعت یافته است و می تواند با دید تک دیدی خود کل اطراف خود را ببیند: A تا D و F تا A. اما آن نمی تواند درست نقطه جلوی چشم خود را ببیند.

به واسطه بهره گیری از دید دو دیدی می تواند ناحیه ای در جلوی صورت خود را ببیند: B تا E

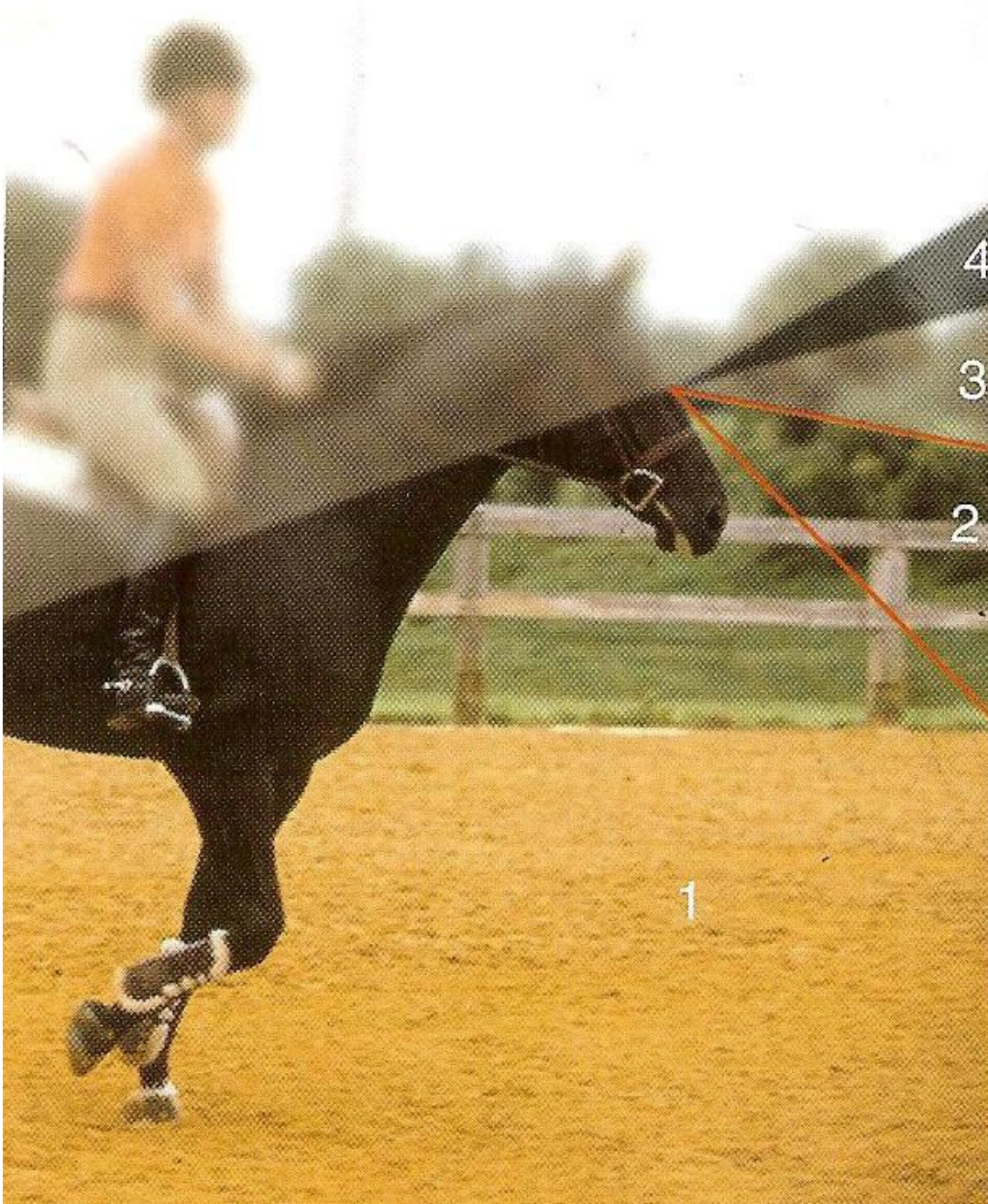
بر اساس مطالعات و تحقیقات اخیر ثابت شده است اسب نیز دارای قدرت تطابق بوده است اما این توانایی بسیار محدود است و اکنون دیگر می دانیم حرکت دادن سر به خاطر این است که دید دودیدی (هر دو چشم با هم) مربوط به منطقه ای است که در پایین پوزه حیوان قرار گرفته است و دقیقاً در مقابل چشمان اسب قرار ندارند. بنابراین اسب با سری در وضعیت عمود بر زمین برای دیدن زمین باید دید خود را در حدود 2 متر جلوتر متمرکز نماید و فقط اگر وضعیت سر حیوان جلوتر از خط عمود بر زمین باشد می تواند دید خود را در جلو متمرکز نماید.

#### ○ حرکت دادن سر برای دیدن:

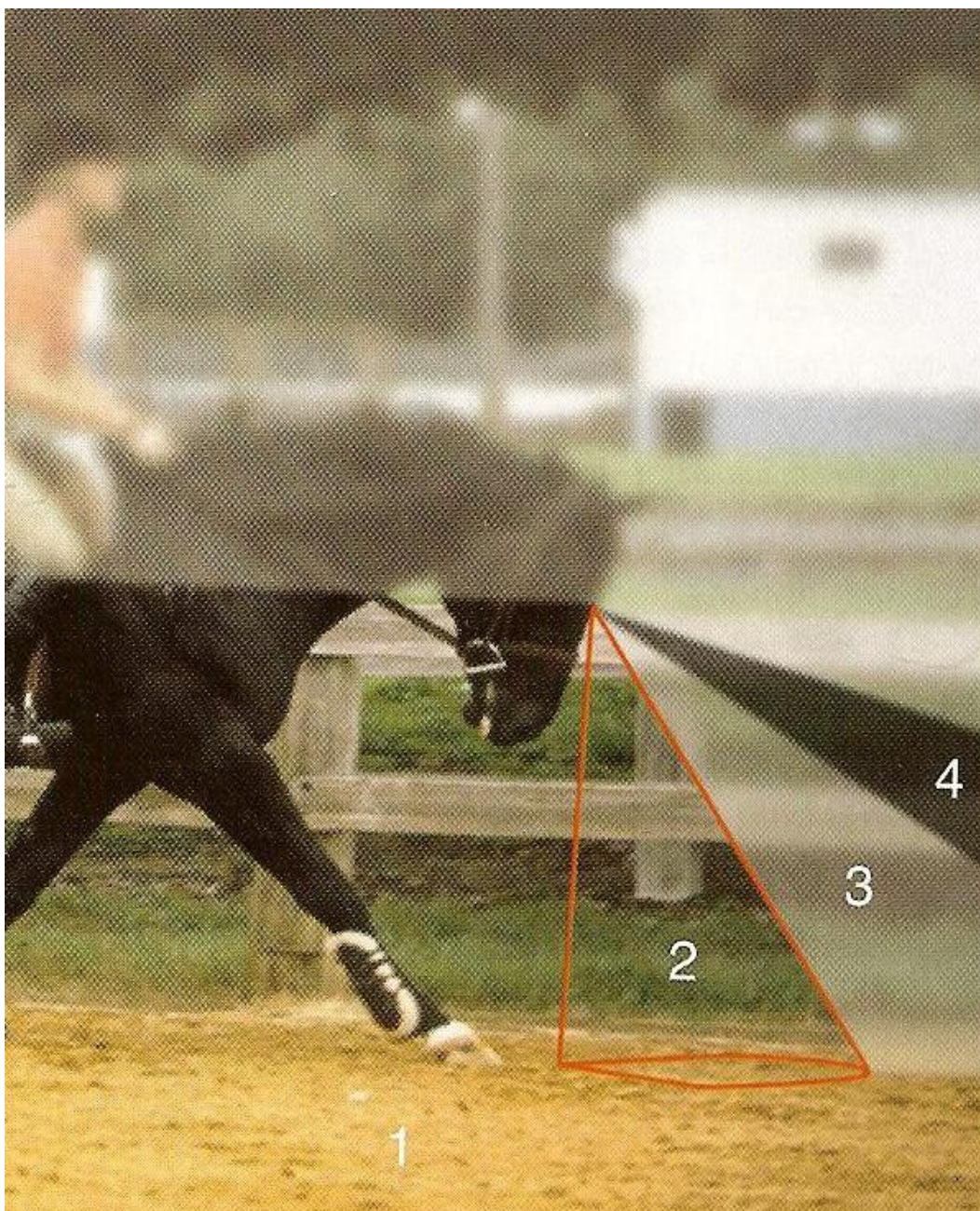
در بیشتر تصاویری که از اسبها در هنگام نزدیک شدن به موانع مختلف گرفته می شود خواهید یافت که اسب سر خود را بالا گرفته است. اگر سوارکار به هنگام نزدیک شدن به موانع اجازه ندهد اسب سرش را بالا بکشد، اسب مضطرب شده، تند می کند و یا سر خود را به یک طرف می کشد تا بتواند مانع را ببیند. در مقوله پرش هم برای سوارکار و هم برای اسب بسیار خطرناک است که با ابزار ثابت کننده، حرکت سر اسب محدود گردد. ضمن اینکه این کار اصلاً عادلانه نیز نمی باشد که اسب را مجبور به عبور از روی مانعی کنیم که نمی تواند آن را ببیند. آیا خود شما قادر به پرش از روی مانعی هستید که نمی دانید آن کجا قرار دارد و چقدر عرض و طول دارد؟!

همچنین وقتی اسب سر خود را عمود بر زمین نگه می دارد مثل اسبهای درساز ، نمی تواند دقیقا جلوی خود را ببیند بلکه زمین را فقط خوب می بیند. حال اگر خود را به جای اسب بگذارید واضح است باید اسب حد بالایی از اعتماد و پذیرش نسبت به سوارکار خود داشته باشد تا همچنان گوش به فرمان و مشتاقانه به جلو یعنی جایی برود که آن را نمی بیند ! ضمنا شگفت آور نیست اگر بدانید اسبها در هنگام کار به محض شنیدن صدایی از محیطی که خارج از محدوده دید دودیدی آنها واقع است، سر خود را بالا می کشند.

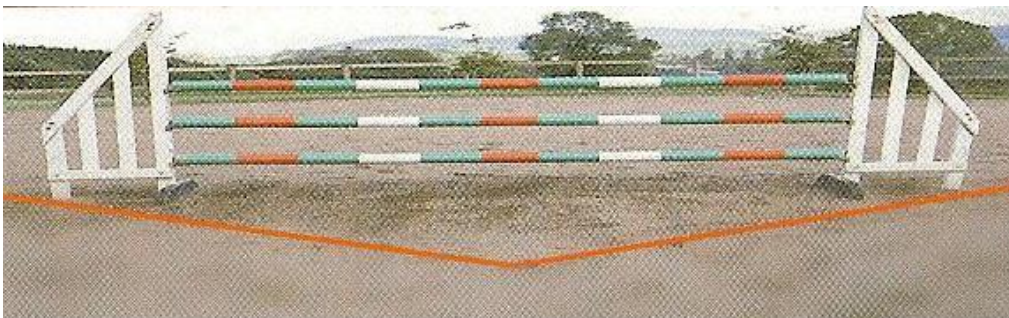
اسبهایی که حرکت سرشان با به کارگیری ابزار مختلف تربیتی مثل رنکولان و ... محدود گشته است ، تمایل به کج کردن سرشان داشته و علائمی از عدم تمایل به کار و یا علائم ناشی از فشار را مثل جویدن بیش از حد آهن تو دهنه ای و یا دندان قروچه و ساییدن دندانها به یکدیگر به نمایش می گذارند.



سر با زاویه 45 درجه: با سری به زاویه 45 درجه اسب می تواند به خوبی ناحیه ای در جلوی خود را ببیند (ناحیه 2) این در حالی است که از دید دو دیدی خود استفاده می کند و بالا و پایین این ناحیه (1 و 3) ناحیه ای است که برای اسب مه آلود دیده شده و دیدی نامشخص دارد و ناحیه بالایی (4) همان نقطه کور اسب است. اگر اسب از دید دودیدی خود استفاده نماید ناحیه جلوی خود را دیگر نخواهد دید و این جوانب هستند که خوب دیده می شوند.



سر عمود بر زمین: با سری عمود بر زمین که مشخصه یک اسب درساژ است ، ناحیه نقطه کور (ناحیه 4) و ناحیه مه آلود(3) دید جلوی اسب را کدر می کند اما در عوض اسب درست جلوی دستهای خود را واضح می بیند(2) اگر اسب از دید تک دیدی خود استفاده نماید می تواند با هر یک از چشمان دید کناری را هم داشته باشد (1) برای تمرکز دید بر روی موانع پرش باید اسب موقعیت سر خود را عوض کرده و بالا بکشد.



#### دید اسب در هنگام نزدیک شدن به مانع:

برای دیدن و تشخیص فواصل در هنگام نزدیک شدن به موانع است که باید سوارکار به اسب اجازه دهد سرش را بالا بکشد و دید دودیدی خود را به کار گیرد و متمرکز نماید تا به خوبی موانع را بررسی نماید. اگر این آزادی به اسب داده نشود مانع در نقطه کور اسب قرار خواهد گرفت و به همین دلیل است که بسیار مهم می شود سوارکار از ثابت نگه داشتن تماس دستجلوها در هنگام نزدیک شدن به مانع جلوگیری کرده و اجازه دهد اسب از سر و گردن خود استفاده نماید. سوارکار باید تماسی ملایم در دستجلوها ایجاد کرده و دستها تعقیب کننده حرکت سر و گردن اسب باشند و هرچه ارتفاع مانع بیشتر باشد اسب بیشتر می خواهد زاویه سر و گردن خود را تغییر دهد.

اگر به اسب انعطاف پذیری اجازه داده شود، آن وقت می تواند به خوبی مانع را یک گام به آن مانده ببیند. (در این تصویر با خط قرمز حد دید مشخص شده است، البته هنوز تصویر کنار این ناحیه و بالای مانع مه آلود است.)

آگاهی داشتن در مورد محدودیت های دید اسب می تواند در نگهداری آگاهانه اسب کمک نموده و از بروز بسیاری از حوادث جلوگیری نماید. برای مثال اگر شخصی یکمرتبه به اسب نزدیک شود و اسب غافلگیر شده و بترسد، ممکن است مورد ضربه لگد واقع شود که کاری است غریزی و طبیعی برای اسب به جهت دفاع از خود. مثال دیگر وقتی است که شما اسبی را ترسانده اید و او برای فرار به تاخت به جلو می رود اما گردن خود را برگردانده و به عقب که شما ایستاده اید نگاه می کند. در این حالت آن

از دید تک دیدی خود استفاده می کند. در این وضعیت ممکن است از جلو به مانعی که در راه آن قرار دارد اصابت نماید و آسیب ببیند.

در حالت دیگر ممکن است صدا یا چیزی از جلو توجه اسب را جلب نماید و اسب بی اختیار به کنار گام بردارد و داخل چاله بیفتد! همه اینها خطراتی است که اگر شما روحیات اسب و بدن آن را بشناسید ، می توانید به خوبی از آنها جلوگیری نمایید.

بهترین روش نزدیک شدن به اسب در اصطبل یا محوطه باز این است که با زاویه ای از جلو به سمت سر اسب نزدیک شوید . در نتیجه چه در زاویه دید تک دیدی و چه در زاویه دید دو دیدی آن قرار گرفته باشید ، اسب شما را می بیند . همچنین بهتر است اسب را از حضور خود قبلا با صدا مطلع نمایید.

○ بهترین نماد برای اینکه بدانید اسب به چه چیزی نگاه می کند گوشهای آن است:

اسب اغلب گوشهای خود را به سمت چیزی که نگاه می کند تیز می نماید، بنابراین هر گاه به اسبی نزدیک می شوید به گوشهای آن نگاه کنید تا متوجه شما باشند. در غیر این صورت ممکن است متوجه صدا یا چیز دیگری بوده و حضور شما آن را غافلگیر کرده و موجب وحشت آن گردید.

بسیاری اسبها از خرابی چشم (عفونت) و یا دید ناقص رنج می برند، بنابراین توصیه می گردد معاینه چشمها مرتب صورت گیرد. اسبی که یک چشم آن کور یا ناقص می شود می تواند به خوبی به فعالیت ورزشی خود ادامه دهد اما باید سوارکار به آن اجازه دهد در هنگام سواری تا حدی سر خود را کج بگیرد و به وسیله چشم سالم خود از دید تک دیدی استفاده کرده و اطراف را ببیند.

## ❖ گوشها :

گوشه‌های اسب مبین حال درونی اوست. گوشه‌های زنده و جنبنده، نشان خوشحالی است. گوشه‌های فعال که کمی رو به عقب هستند نشان می‌دهد کاملاً "حواسش جمع است. گوشه‌های کاملاً" به عقب خوابیده علامت نارضایتی است که از چنین اسبی باید دوری کرد و مواظب گاز گرفتن و لگد زدنش بود. در این حالت قاطعانه و کمی تند باید به او نهیب زد.



### اسب با گوشه‌هایش چه علامتی می‌دهد؟

گوشه‌های اسب به ندرت ثابت هستند. درست مثل دیشه‌های رادار که آسمانها را تحت نظر می‌گیرند، گوشه‌های اسب هم مرتب به این طرف و آن طرف در حرکت هستند و کوچکترین علائم صوتی را از دنیای اطراف دریافت می‌کنند. برای اجداد اسب امروزی این دو به خصوص مهم بوده است که تنها وسیله برای حفظ جان، به سرعت فرار کردن از خطر بوده و به این ترتیب خیلی مهم بوده است که از اولین علائم هشدار دهنده (علائم خطر) آگاه شوند. به طوریکه بتوانند قبل از آنکه دشمن حمله ور شود در طی چشم بر هم زدن به سرعت دور شود و گوشه‌های اسب که دائماً در حرکت است اولین سیستم هشدار آنها بوده است.

به علت اینکه حالت گوشها با روحیه اسب تغییر می‌کند، طرز قرار گرفتن گوش می‌تواند به منزله ی

علائمی توسط سوار (همراه) تعبیر شود. یک اسب می تواند حالت روحی اسب دیگری را با نگاه کردن به گوشهای آن اسب تشخیص دهد. بنابر این گوشها دارای یک نقش دو گانه هستند. آنها علائم صوتی را دریافت می کنند و علائم بصری را ارائه می دهند. این علائم بصری بی اندازه مفید هستند، برای اینکه گاو، گوزن و آهو شاخ دارند که از نوک کله آنها به طرفین بیرون می روید و این امر حرکت گوشهای آنها را مخفی می کند، ولی گوشهای اسب مخفی نیستند حتی از یک فاصله بسیار دور یا حتی وقتی که اسب را می توان به حالت نیم رخ دید، هم به طور کامل قابل رویت هستند.

### حالات گوشها در اسب به شرح ذیل است:

وقتی گوشها به حالت معمولی هستند آنها به صورت آزاد و رو به بالا نگاه داشته می شوند. به طوریکه روزنه آنها به طرف جلو و خارجی (بیرونی) است. در این حالت اسب می تواند محوطه جلو و هر دو جانب را تحت نظر بگیرد. این حالت معمولی به بهترین وجه محیط اطراف را پوشش می دهد. ولی به محض اینکه صدای عجیبی شنیده می شود، یک یا هر دو گوش سریع روبه آن صدا می چرخند و آن را با دقت مورد آزمایش قرار می دهند.

اگر صدایی به نظر عجیب یا مشوش کننده باشد اسب سرش را یا حتی تمام بدنش را به طرف منشاء صدا بر می گرداند و بعد گوشها را تیز می کند به طوریکه آنها کاملاً سیخ می ایستند و روزنه ی آنها مستقیماً به طرفی که صدا از آن می آید، قرار می گیرد. گوشهای سیخ در اسب نشانگر این هستند که اسب یگه خورده، کاملاً هشیار است یا اینکه صرفاً کنجکاو و علاقه مند است و این حالت معمولاً در موقع برخورد از روبرو دیده می شود.

در مقابل گوشهای سیخ، گوشهایی به صورت بال هواپیما هستند. در این حالت گوشها به صورت جانبی افتاده و روزنه آنها پایین به طرف زمین است. این حالت گوش در اسب های خسته یا بی حال و یا در اسبی که کاملاً علاقه اش را به دنیای اطراف از دست داده، دیده می شود. این حالت حاکی از آن است

که اسب از نظر روحی در وضع خوبی نیست. گاهی اوقات این حالت شدید شده و حالتی به نام "گوشهای افتاده" پیش می آید که در آن گوشها شل و ول به طرف پایین می افتند. این حالت وقتی دیده می شود که اسب دچار حالت چرت است و یا اینکه درد دارد و می خواهد راه شنوایش را به تمام پیامهای وارده ببندد. این حالت یعنی گوشهای جانبی افتاده در عین حال به عنوان علامت "بازندگی" در خلال یک نبرد یا در خلال یک برخورد اجتماعی پر هیجان پیش می آید. اسب ضعیف تر در واقع با این حالت گوش می خواهد بگوید: "من اهل دعوا نیستم، من کنار می روم، شما برنده اید، بنابراین دست از سر من بردار."

گاهی ممکن است اسبی را که در حال سواری دادن است ببینید که گوشهایش به طرف عقب افتاده است. این یک علامت مخصوص است. گوشها به طرف جانبی خم شده اند ولی روزنه آنها به سمت عقب به طرف سوار کار است این حالت نشان می دهد که اسب نسبت به سوار خود کاملاً مطیع است و در عین حال از او می ترسد. این حالت گوشها تابعیت کامل اسب و نگاه داشتن روزنه آنها به طرف عقب نشانگر نیاز حیوان به این است که هر گونه صدای کوچکی را از این موجودی که بر پشتش سوار است و در او ایجاد ترس می کند، بشنود. این حالت گوش در اسبهایی که صاحبانشان خیلی خشن هستند معمولی است. در ضمن این حالت گوش وقتی که یک مادیان و یک نریان با قصد جفت گیری با هم روبرو می شوند مشاهده می شود. مادیان اغلب این حالت گوش را وقتی به خود می گیرد که امیال شدید جنسی اش او را وادار می کند که به نریان قدرتمند نزدیک شود. مادیان به طرف نریان جلب شده ولی در عین حال از او می ترسد و این حالت را با گوشهایش نشان می دهد. همین حالت مطیع بودن مادیان به صورت یک محرک جنسی در نریان عمل کرده و به او اطمینان می دهد که لگدی از طرف مادیان دریافت نخواهد کرد.

اگر ترس بدل به یک وحشت کورکورانه شود به حالت گوشهای سیخ و هشیار باز می گردد. در این حالت گوشها بیشتر سیخ هستند ولی در عین حال به طور دائم حرکت های ریز می کنند. اسبی که گوشهایش می پرند احتمال دارد که از وحشت رم کند.

در کفه دیگر ترازوی حالات روانی، وقتی که خشم، تجاوز و برتری سر آنها را بالا می آورد، حالت گوشهای به عقب چسبیده ایجاد می شود که در آن حیوان گوشهایش را کاملاً به سرش می چسباند، به طوریکه بدون گوش به نظر می رسد و بعضی ها معتقدند که یکی از دلایل اینکه انسانها می توانند اسب

را این چنین آسان کنترل کنند این است که لابد ما همیشه به نظر اسبها غالب و خطرناک می‌رسیم؛ صرفاً به خاطر اینکه گوشهای ما همیشه به طرف عقب به کله مان چسبیده است. در زبان اسبی این امر حتماً ما را واقعاً ترساناک جلوه میدهد و آنها هم برای عوض کردن این موقعیت هیچ کاری از دستشان بر نمی‌آید. هر چقدر هم که این حیوانات حالت مطیع بودن خود را نشان دهند ما هرگز گوشهایمان را به حالت موافقت سیخ نمی‌کنیم یا اینکه آنها را به حالت چرت زدن ول نمی‌کنیم.

اینکه گوشهای به عقب چسبیده در اسب علامت خشونت و تجاوز دارد یک دلیل خوب است و علتش این است که اسب های اولیه نیز برای اینکه گوشهایشان را از حملات رقبای در امان نگاه دارند آنها را به این حالت در می‌آورند. وقتی که گوشها کاملاً به طرف عقب چسبیده اند احتمال اینکه گاز گرفته شوند یا پاره شوند بسیار کم است و در خلال دوران تکامل، این حالت دفاع از خود، به صورت جزئی از زبان روزمره بدن اسب در آمده است. به جای اینکه این حالت را صرفاً برای لحظه ی جنگ نگاه دارند هنگامی که دو اسب رقیب با هم روبرو می‌شوند از آن به عنوان یک نشانه ی تهدید استفاده می‌کنند. اسب متجاوز تر صرفاً گوشهایش را به عقب میکشد و در واقع با این کار می‌گوید: " اگر جنگ دلت می‌خواهد، من حاضرم" و اسب دیگر می‌تواند یا حالت مطیع بودن و بازندگی را به خود بگیرد و یا او هم به نوبه خود تهدید کند. به این ترتیب مشاجرات اغلب بدون داخل شدن در یک جنگ واقعی پایان می‌پذیرد، به آن معنی که این علائم جای گاز گرفتن ولگد پرانی را می‌گیرند.

در یک مورد بخصوص دو عکس العمل گوشگی غیر متعارفی وجود دارد. اگر یک اسب مسابقه را دوپینگ کرده باشند وضعیت او از طریق طرز عجیبی که گوشهایش را نگه می‌دارد روشن می‌شود. اگر به اسب داروی آرام بخش داده باشند گوشهایش به طرف جانب می‌افتند ولو اینکه از هر نظر دیگر اسب فعال باشد. وقتی که حیوان گام بر می‌دارد این گوشهای افتاده ممکن است به بالا و پایین حرکت کند؛ گویی که دیگر عضلات گوش آنها را هدایت نمی‌کند. اگر بر عکس به اسب داروی محرک داده باشند آن وقت گوشهایش کاملاً سخت می‌شوند. در این حالت امکان دارد که مامورین قبل از انجام مسابقه متوجه شوند.

در آخر باید این را همواره به یاد داشت که در خلال زندگی روزانه، اسب گوشهایش (منظور اسب

معمولی بدون استفاده دارو است) برای دریافت اصوات تازه دائماً در حرکت هستند. گوشهای متحرک که به این طرف و آن طرف در حرکت هستند، علامت این می باشد که توجه و علاقه اسب دائماً به این سو و آن سو تغییر می کند.

در یک گله ی اسب، هر گاه یکی از اعضای گله در فاصله ای دور در مورد چیزی در یک جهت دیگر کنجکاو شده و روی به آن جهت گذارد، بقیه اعضای گله نیز می توانند با وسائل شنوائی خود متوجه او شوند. این گونه تغییرات ناگهانی در جهت صدا می توانند تمام ملاحظات دیگر را منتفی سازند. چنانچه صدائی از پشت سر بیاید، گوشها بدون در نظر گرفتن وضع روحی حیوان، به طرف عقب چرخانده می شوند. تنها هنگامی که این فعل و انفعالات شنوائی ساکت شوند گوش ها دوباره به وضع آرام تر و وضعیت روحی ای که حیوان به دراز مدت آن را حفظ می کند باز می گردند. اسب ها خیلی سریع اختلافات میان علائم خطری کوتاه مدت و علائم روحی دراز مدت را فرا می گیرند و برای ما هم بسیار ساده است که همین کار را بکنیم. یک بار که این حالات ساده ی گوش اسبی را یاد گرفتیم، دیگر با یک نظر می توانیم وضع روحی حیوانات را تشخیص داده و راحت تر و خودمانی تر به دنیای آنها وارد شویم.

### میزان شنوائی اسب چقدر است؟

مسلم است که شنوایی اسب از شنوائی ما بهتر است. گوشهای بسیار حساس آنها می تواند گستره وسیع تری از اصوات را از نوسانات پائین تا نوسانات بسیار بالا تشخیص دهد. در هر حال در تمام سطوح حس شنوائی آنها از مال ما تیز تر است.

انسان بالغ قادر است ارتعاشات تا حدود 20000 مگاهرتز در ثانیه را بشنود ولی این رقم تا وقتی ما به سن 60 سال می رسیم به 12000 مگاهرتز در ثانیه تنزل می کند.

به خاطر گوشهای خارجی بزرگ که به صورت عالی متحرک هستند، حدت شنوائی ما بسیار بیشتر است. هر گوش که با بیش از 16 عضله کنترل می شود، می تواند تا حدود 180 درجه بچرخد و منشاء صدای بخصوص را از فاصله بسیار دور مشخص کند. بارها و بارها یک مالک اسب متوجه شده است که اسبش قبل از آنکه خود او متوجه چیزی شود نسبت به یک صدای نزدیک شونده واکنش نشان داده است.

اسبها در تشخیص اختلالات طبیعی از قبیل طوفانهای دور دست، بادهای شدید و زلزله آنقدر هشیار هستند که بعضی اسبداران ادعا میکنند که این حیوان دارای حس ششم است. گر چه برای ایقان به این امر مطالعه و بررسی واکنشهای اسرار آمیز، اسبها در واقع نسبت به کوچکترین صداهایی که برای گوش انسان قابل شنوائی نیستند، از خود عکس العمل نشان می دهند. حتی زلزله ها ممکن است از این طریق احساس شوند. برای اینکه ارتعاشات ژئوفیزیکی کوتاه نوسان قبل از وقوع خود زلزله، ایجاد می شوند که این ارتعاشات ممکن است که قسمت تحتانی گستره شنوائی است شنیده شود. مردمی که در مناطق زلزله خیز زندگی می کنند غالباً متوجه شده اند که درست قبل از وقوع زلزله اسبهایشان شدیداً نا آرام و پر سر و صدا می شوند که این خود یک علامت هشدار بسیار مفید برای انسان است. این توضیحات نبایستی بدان معنی تعبیر شود که اسبها الزماً فاقد یک حس ششم هستند، بلکه این صرفاً به این منظور است که اگر ما واکنش عجیبی از یک اسب دیدیم که برای ما قابل بیان نبود، بی درنگ فرض را بر آن نگذاریم که چنین حسی در حیوان وجود دارد، ولی ممکن است که اگر ما بتوانیم تمام حسهای معمولی صدا - دید - بویای - مزه و لمس را حذف کنیم شاید متوجه شویم که مانند بسیاری گونه های دیگر، اسبها نیز قادرند به اشاراتی از قبیل تغییر میزان مغناطیسی زمین واکنش نشان دهند. چه بسا اتفاق افتاده است، سواری که در خلال یک سواری بعد از ظهر از اسبش فرو افتاده حیران مانده است وقتی که دیده است شب دیر هنگام اسبش راه خانه را بدون اشتباه آن هم در یک سرزمین کاملاً غریب پیدا کرده و بازگشته است. اینگونه موارد ممکن است نمونه ای شنوائی حساس باشد - گوشهای متحرک اسب قادرند صداهای آشنا را از راههای بسیار دور بشوند - یا اینکه ممکن است آنها نمونه ای باشند از یک حساسیت خارق العاده نسبت به نقشه مغناطیسی اقلیم. به هر حال هر حسی که دست اندر کار باشد یک چیز مسلم است: اسبها به طرز بی نظیری با محیطی که در آن زندگی می کنند در هم می آمیزند.

به خاطر این حساسیت است که محیط های به خصوص پر سر و صدا می توانند برای یک اسب آزار دهنده باشند. کسانی که اسبها ایشان را نزدیک فرودگاهها یا شبکه های جاده ای شلوغ نگاه می دارند گزارش می دهند که حیواناتشان غالباً بسیار عصبی می شوند، آنچه که برای ما ممکن است به صورت یک سر و صدای ناخوشایند جلوه کند، برای اسبها به صورت یک هیاهوی غیر قابل تحمل در می آید. اسبها می توانند از راه پخ کردن گوشه‌هایشان تا حدودی جلوی ورود صدا را بگیرند ولی این امر کافی نیست و باید تا جایی که ممکن است از انتخاب چنین مکانهایی برای نگاهداری اسبها پرهیز کرد. اسبهای پلیس و اسبهای رژه را بایستی آموزش دار که نسبت به فریادها، هورا کشیدن ها، صدای طبل و صدای بلند موزیک و یا ارکستر در مراسم رسمی یا جشن های عمومی واکنش نشان ندهند و این امر مستلزم مقدار زیادی صبر و آموزش است. حتی وقتی که بعد از اینگونه آموزشها واکنشهای طبیعی اسب مهار شده و تحت کنترل در می آیند، اغلب دیده شده که در روز مراسم وقتی سر و صدا بلند می شود اسب خود را جمع و جور کرده و به لرزش در می آید. البته ممکن است بر خلاف میلشان نتوانند سر و دست بلند شوند یا از ترس پا به فرا بگذارند، ولی با وجود این با زبان گویای بدنشان نشان می دهند که وقتی گوشه‌هایشان با صداهای گوشخراش بمباران می شود اصلاً آرام نیستند.

یک مزیت بخصوص حساسیت اسب نسبت به صدا این است که یک سوارکار دانا، می تواند به آسانی به اسبش یاد بدهد که به فرامین او که با کلمات ساده و با نهایت آرامی، بیان می شوند پاسخ دهد. هر اسبی را میتوان درست مثل یک سگ آموزش داد که به کلماتی از قبیل ایست - برو - بله - نه، نه و بسیاری کلمات دیگر پاسخ گوید. ولی به علتی این توانایی به طور کامل مورد بهره برداری قرار نمی گیرد. بعضی اسبداران ظاهراً به اشتباه معتقدند " درست نیست که انسان فرامینش را با کلمات به اسب بگوید، بلکه باید این فرامین را از طریق فیزیکی از قبیل اثر دست کشیدن ، پیچاندن و... به او منتقل کند". ولی اینگونه نظریه ها موجب می شود یکی از بزرگترین خصوصیات اسب که همانا حس شنوایی درخشان اوست استفاده نشود.

## ❖ دَم:

دمی که به آرامی نوسان دارد نشان از آرامش و خوشحالی اسب است. اگر دم خیلی سیخ شده و یا کاملاً در میان پاها قرار گرفته، نشان از انرژی زیادی و هیجان است که غالباً با یکی دو لگد از سر شوخی همراه است. وقتی اسب انرژی اضافی را دفع می‌کند دم حالت عادی به خود می‌گیرد. اگر اسبی دم می‌زند یعنی پوست خیلی حساسی دارد و نباید او را خیلی زود با مهمیز سوار شد و باید با حساسیت بیش از حد او کنار آمد.



اسبهای دونده و یا اسبهای جوانی که زیر فشار کار بیش از حد قرار دارند، دم می‌زنند و این علامت خستگی مفرط است.

### اسب با حرکات دمش چه می‌گوید؟

بالا و پایین رفتن دم اسب در واقع شبیه به بالا و پایین رفتن سوزن روی صفحه یک دستگاه هیجان سنج است. دم بالا به معنای هوشیاری - فعالیت و سرشاری است. دم که به پایین افتاده، می‌تواند حاکی از خواب آلودگی، خستگی مفرط، درد، ترس شدید یا تسلیم و اطاعت باشد.

علت این امر این است که هر چه اسب به سرعت خود در پیشروی می افزاید، مجموعه عضلانی ضد قوه ثقلش بیشتر به فعالیت در می آید. این عضلات در بالا جستن و پیش رفتن به او کمک می کنند و بالا رفتن دم هم جزئی از کل این فعل و انفعالات است. هنگامی اسب از سرعت خود می کاهد و یا به اصطلاح ترمز می کند، عکس این ماجرا اتفاق می افتد و دم به طرف پایین فشرده می شود. این ارتباطات قدیمی «پاشو، برو» و «بشین، صبر کن» به صورت استعاره گرفته شده اند تا علائم ویژه ای را برای زبان بدن اسب فراهم سازند. یک اسب ممکن است دمش را صرفاً به عنوان یک علامت بالا و پایین ببرد بدون اینکه حتی بدنش را تکان دهد.

برای مثال یک اسب جوان سرکش ممکن است به اسب دیگر نزدیک شود و با پرتاب کردن دمش به طرف بالا روی پشتش تا حد امکان، آمادگی خود را برای بازی نشان دهد. در واقع به هنگام آغاز بازی خمیدگی دم به طرف بالا و پشت تا این درجه شدت می یابد که دم گاهی کاملاً بر روی پشت خم می شود. این علامت دعوت برای بازی، بلافاصله توسط اسب جوان مقابل، درک شده و بازی به سرعت آغاز می گردد. نکته اصلی در اینجا این است که در لحظه دم بالا گرفتن اسبی که بازی را پیشنهاد می کند، حتماً در حال سرعت گرفتن نبوده است و حتی ممکن است که به حالت استراحت و ایستایی بوده باشد. در اینجا اصطلاح «پاشو، برو» به زبان اسبی مبدل شده به «پاشو با هم بریم» و حرکت دیگر در اثر سرعت گیری نیست، بلکه نمادی از آن است. در واقع این حرکت به معنای درخواستی برای سرعت گیری است: «بزن بریم با هم بازی کنیم». در یک طریق مشابه دم ممکن است توسط اسبی که در حال ایستایی است برای گفتن اینکه، «من خسته و بی حالم، تسلیم تو هستم، رئیس تویی» به طرف پایین بیفتد. در حالت ترس شدید از یک اسب دیگر، یک اسب ممکن است حتی دمش را کاملاً به قسمت میان دو کیلش بچسباند. درست شبیه به یک سگ که گاه دمش را میان دو پایش می برد. اگر یک اسب بسیار پرخاشگر یا عصبی باشد، یک علامت دیگر سفت شدن قسمت تحتانی دم به گونه ای است که بیش از اوقات معمول از پشت اسب بیرون می زند، درست مثل یک میله پشمالو.

در تماسهای جنسی دم نریان و مادبان هر دو به خاطر هیجان آن لحظه به طرف بالا نگاه داشته می شود ولی یک اختلاف کوچک وجود دارد و آن این است که دم مادبان به عنوان یک دعوت جنسی کمی به طرف جانبی و در عین حال به طرف بالا نگاه داشته می شود.

علاوه بر علائم بالا و پایین دم، حرکات سریع شلاقی در جهات نیز وجود دارد. منشاء اینگونه حرکات ناراحتی و حساسیت حیوان است که در اثر حشرات و سایر جانوران فوری به وجود آمده است. در اینگونه موارد دم در واقع به منزله ی یک مگس کش به کار می رود ولی زبان بدن اسب این عمل اجدادی را برای استفاده در برخوردهای اجتماعی غرض گرفته است. اسبی که مضطرب، مستاصل یا گیج است، ممکن است دمش را به این طرف و آن طرف تکان دهد؛ اول به صورت جانبی بعد عمودی و سپس به صورت نیم دایره که به این وسیله ناراحتی خود را نشان می دهد. در این حال در واقع مگسی وجود ندارد که او را بیازارد و این ناراحتی او بیشتر روانی است تا جسمانی. در مسابقات درساژ اینگونه دم تکان دادن که آن را اصطلاحاً مقاوت گویند می تواند منجر به از دست دادن نمره شود. به عبارت دیگر این امر به منزله علامتی است که اسب در پوستش راحت نیست و بنابر این به خوبی توسط سوارکارش آماده نشده است یا اینکه نمی خواهد از اثرات سوارکارش پیروی کند. وقتی که اسب به طور خاصی عصبانی است ممکن است این حالت خود را با زیاد کردن قدرت حرکت شلاقی دم بیان کند، به طوریکه ضربه ها آنقدر قوی می شوند که موهای دم مثل شلاق در هوا سوت کشیده و اگر با پوست انسان برخورد کنند، می توانند موجب جراحت شوند. ضمناً در این حالت ممکن است که اسب دمش را به طرف بالابرده و بعد به صورت یک کشیده به پایین بزند. رفته رفته که اسب عصبانی تر می شود علائمی از این قبیل اغلب مبشر یک لگد وحشیانه هستند. در بعضی از کشورها استفاده غیر قانونی از شلاقهایی که می توانند شوک الکتریکی وارد آورند موجب یک واکنش شدید دم می شود. وقتی با اینگونه شلاقها ضربه ای به اسب وارد می آورند حیوان قانده دمش را سفت کرده، دمش را به صورت یک دایره سریع می چرخاند، بعد آن را در هوا بلند کرده و محکم بر روی کپل فرود می آورد.

تمام این اعمال در فاصله یک ثانیه انجام می گیرد ولی علامت گویایی است از اینکه یک عمل غیر قانونی به حیوان وارد شده است.

یک نوع تقلب عجیب و غریب هم در مورد اسبهای بلند گام "Tennessee Walker" کشف شده است که ممکن است دم اینگونه اسبها که غالباً مورد انواع خشونت قرار می گیرند، قطع شده و یک دم مصنوعی روی سمبه آن قرار داده شود، صرفاً به این

خاطر که قیافه شاد و پر تحرک به آنها داده شود. گاهی اوقات به جای این کار یک قطعه زنجفیل در مقعد اسب بیچاره فرو می کنند تا همین حالت به صورت مصنوعی در او ایجاد شود.

### ❖ گام برداری:

گام برداری اسب مظهر توان و ظرفیت اوست و میبایست توجه خاصی به آن داشت. برای اسب جوانی که اصطبل را ترک می کند طبیعی است که کمی خشک و منقبض گام بردارد. او که در مرتع همواره از این طرف به آن طرف حرکت آزادانه داشته حال میبایست در فضائی محدود حرکتی مختصر داشته باشد و او میبایست خود را با این عدم تحرک اجباری وفق دهد. کمی بعد او به زندگی جدید خو گرفته و می توان چگونگی گام برداری او را مورد مطالعه قرار داد. بعنوان مثال، مشاهده حرکت چهارنعل آزادانه او در عرض محوطه تمرین و میزان تعادلش، ترسیم کننده چگونگی حرکت چهارنعل سواره او در آینده است. درباره حرکت آزادانه اسب در محوطه تمرین، و کمکی که این نحوه حرکت به آینده آموزشی او می کند، می توان کتاب نوشت، چرا که این نحوه حرکت اسب به سوار می گوید که به هنگام سواری چه نوع حرکتی زیر نشیمن خود احساس می کند.

### ❖ تعرق:

اسب به طور طبیعی به هنگام کار عرق می کند و این تعرق نشانگر میزان تلاشی است که ما از او می خواهیم و می بایست بر مبنای میزان تعرق مقدار کار را تنظیم کنیم.

به هنگام درد، به عنوان مثال دل درد، بدن اسب عرق می زند. اسبهای جوان در زمان به هیجان آمدن عرق می کنند و ضربان قلبشان بالا میرود.

### ❖ صدا:

اسب صداهای متفاوتی از خود خارج می کند. بعضی اسبها بندرت شیهه ی رسا دارند. عده دیگر با شیهه ای رسا به دیگران پیام می دهند. وقتی رفقای اسبهای جوان آنها را ترک می کنند، معمولاً "شیهه بدرقه راهشان است. می توانیم به سادگی به اسب بیاموزیم که به هنگام رسیدن به ما، با شیهه سلام کند. هرگاه به سراغش می رویم چیز خوشمزه، هویج، میوهجات و .... به همراه داشته باشیم. اسبها وقتی

خوراك از راه می‌رسد شیهه می‌کشند. غرغر، فریاد و ناله علامت درد و ناراحتی است و به سرعت می‌باید به كمك او شتافت.

صداهائی از قبیل جیغ کوتاه و شیهه، نشان از حساسیت زیاد پوست است و این صداها وقتی به گوش می‌رسد که دو اسب با هم مغازله می‌کنند. که این مغازله معمولاً "با لگد و یا گازی دوستانه همراه می‌شود. مادیان‌ها به هنگام فصول جفت‌گیری صداهائی از این قبیل از خود درمی‌آورند.

فروفر علامت رضایت است و مبین این است که اسب کاملاً آرامش دارد. البته نباید این فر و فر را با بیماری خُرْخُر که فلج یکطرفه تارهای صوتی است اشتباه کرد. گاهی اسبهای ترو برد به هنگام چهار نعل و یا شنیدن صدائی غریب از دوردست و یا نزدیک شدن غریبه‌ای، فر و فر می‌کنند.

به طور کلی باید گفت که به نظر می‌رسد اسب دارای سه نوع صدای کلی است:

1- شیهه: بلندترین صدایی است که اسب از خود تولید می‌کند. معمولاً زمانی یک نریان شیهه می‌کشد که مادیان از کنارش جدا شده باشد و یا این که اسب نسبت به چیزی که در حیطة ی دیدش قرار ندارد مانند زلزله بسیار مراقب و حساس شده است و یا این که در جست و جوی پیوستن به اسب‌های دیگر است.

2- خرخر کردن: سه نوع خرخر در اسب تشخیص داده شده است:

الف: قبل از تغذیه

ب: خرخر نریان قبل از نشان دادن تمایلات جنسی

ج: زمانی که مادیانی کره اش را بیازارد

3- شیهه ای بلند شیهه گریه کردن: زمانی شنیده می‌شود که اسب احساس خطر کند (زمان نزاع و احساس شکست در مقابل دیگر اسبها) و یا زمانی که مادیان نریان را رد می‌کند.

این صداها بسته به شدت، زمان و هم‌چنین در جنس‌ها و سنین مختلف و نیز در برابر عوامل تحریک‌کننده ی متفاوت، مختلف است.

## تشخیص رفتار و حالات اسب از روی ترکیبی از زبان بدن آن

حالت	حرکت	سر و گردن	گوش و چشم	بینی و دهان	بدن و دم
مطیع	قدم های آرام به جوانب بر میدارد	سر و گردن را کمی به پایین نگاه می دارد	گوش و چشم را به یک طرف حرکت می دهد	می جود و بزاق نرمی بیرون می دهد	عضلات و دم را شل می کند
مهاجم	به عقب بر می گردد و با شما رو در رو می شود	سر و گردن را پایین نگاه می دارد	گوشها را به عقب می کشد و به عقب نگاه می کند	دندان نشان می دهد و خرخر می کند و منخرین را گشاد کردن	عضلات را منقبض می کند و دم را حرکت می دهد
هیجانی	تاخت می رود، ایستد و دوباره شروع به تاخت رفتن می کند و می چرخد	سر و گردن را بالا نگاه می دارد	گوشها و چشمها را از یک طرف به طرف دیگر حرکت می دهد	جیغ می کشد و باد به دماغش می اندازد منخرین ها را گشاد می کند	سفت مانده و دم را بالا می گیرد
ترسیده	فرار می کند	کمی سر و گردن را بالا می گیرد	گوشها را به عقب کشیده و به عقب نگاه می کند	سریع و سطحی نفس می کشد. شیهه می کشد.	دم را می لرزاند و پایین می گیرد. عرق می کند
یکه خورده	می ایستد و یا به جوانب حرکت می کند	کمی سر و گردن را بالا می گیرد	گوشها را به سمت منشاء صدا تیز می کند	نفس را حبس می کند	عضلات را منقبض می کند و دم را محکم می گیرد
عصبانی	به سمت شما حرکت می کند و دست به زمین می کوبد	سر و گردن را پایین نگاه می دارد	نگاه را به جلو و گوشها را به سمت عقب نگاه می دارد	دندان نشان می دهد و خرخر کردن	عضلات را منقبض می کند و دم را محکم می گیرد
مشکوک	یک جا می ایستد و نگاه می کند	سر و گردن را بالا می گیرد	به جلو نگاه می کند و گوشها را به جلو تیز می کند	بو می کشد و باد به بینی می اندازد	دم را پایین می گیرد
خواب آلوده	ساکن می ایستد	سر و گردن را پایین می اندازد	گوشها و چشم ها را ول کرده و به سمت بالا نگاه می دارد	عمیق و آرام نفس می کشد	ضربان قلبی آرام داشته و دم را پایین می گیرد
مضطرب	ساکن می ایستد	سر و گردن را پایین می اندازد	گوشها را به سمت پایین و یا طرفین نگاه می دارد	نفسهای آرام و سطحی می کشد	دمای بدن پایین و ضربان قلب ضعیف و دم پایین دارد
راضی	مصمم باقی مانده نترس	سر و گردن را پایین نگاه می دارد	گوشها را به جلو یا یک طرف تیز می کند	طبیعی نفس می کشد	دارای ضربان قلب طبیعی و دم بالا می باشد
بیمار	وضعیت ضعیف و بدون حرکت	سر و گردن را پایین نگاه می دارد	گوشها را به سمت پایین و طرفین نگاه می دارد	نفسهای سریع و سطحی می کشد	ضعیف بوده و ضربان به شدت افزایش می یابد و دمای بدن بالا می رود

## آموزش و تربیت اسب:

اسبها دارای غرایز طبیعی بسیار قوی ای هستند و در امر آموزش و کار با اسب، خوب است بتوانیم متناسب و هماهنگ با این غرایز عمل نماییم و نه مخالف و بر ضد رفتارهای طبیعی و غرایزشان. اسبها بسیار زود خود را با هر چیزی تطبیق می دهند و خیلی سریع از تجربیات خود درس می گیرند. در نتیجه، این امر ممکن است که به اسب یاد داده شود تا به هر علامت، عکس العمل خاصی نشان دهد و نیز غرایز طبیعی خود را کمرنگ نماید. مثلا غلبه بر ترس از یک شیء یا صدای جدید، خود نوعی کمرنگ شدن غریزه ترسیدن است که امری است طبیعی. آموزش دادن صحیح به اسب، آن را به یاری مشتاق و متعهد نسبت به شما تبدیل می نماید.

### رفتارهای غریزه ای و آموزش:

بدون شک آموزش حیوان برای پاسخ دادن به علامتی زمانی آسان تر است که رفتار مطلوب به طور طبیعی ارائه شود. مثلا به طور طبیعی اسب با فشار ساقهای سوار به جلو می رود. اما چرا واقعا او با این فشار ساق به عقب حرکت نمی کند؟ چرا که به طور طبیعی اسب نقطه پشت سر خود را نمی بیند و به همین علت، سخت تر هم به عقب رانده می شود. با درک و فهم رفتارهای طبیعی اسب، ما به عنوان یک تربیت کننده اسب، به جای نادیده گرفتن غرایز و رفتارهای طبیعی، می توانیم از نقاط قوت اسب استفاده کرده و آنها را تقویت نماییم. همچنین باید به دنبال توسعه شکل بدن حیوان به صورت طبیعی بوده و به دنبال گام های طبیعی حیوان باشیم و هرگز نخواهیم بدن اسب را به صورت غیر طبیعی شکل داده و یا اسب را مجبور نماییم، گام های غیر طبیعی اجرا نماید. اگرچه اسب به شرایط به طور غریزی پاسخ می دهد اما برداشت و تجربیات قبلی اسب هم بی تاثیر در عکس العمل های آن نیست. ما می توانیم از سرعت عمل اسب در فراگیری و توانایی به یاد آوردن عکس العمل های خاص نسبت به محرک های خاص مثل تجدید خاطره ی پرش از یک مانع عظیم در موقعیت قبلی، نهایت استفاده را ببریم.

اسب همانطور که خوب می تواند از تجارب قبلی خود درس بگیرد، می تواند به همان راحتی هم شرطی شود و به محرکی معین، عکس العملی معین نشان دهد و در صورت تکرار شدن آن محرک، همان عکس العمل قبلی مجددا بروز کند. یک عکس العمل شرطی آن است که با امر تربیت همراه بوده و نسبت به محرکی انجام شود که طبیعی نیست. استفاده از صدای نج نج نوعی است از شرطی کردن

اسب . مربی از روی عادت وقتی با یک کره کار می کند هر وقت می خواهد آن را به جلو براند، نهچ می کند و کره به جلو حرکت می کند. این حالت چندین بار تکرار می شود و اسب به آن عادت کرده و شرطی می شود. در واقع اسب نسبت به محرک صدا واکنش نشان داده و به جلو می رود و این حالت تا آخر عمر آن اسب همراه اوست. چه بسا بتوان کره را عادت داد نسبت به صدای دیگری عکس العمل به جلو رفتن را بروز دهد. مثال های دیگر نیز می توان آورد ، مثلا اینکه با روشن شدن موتور تیلر ، شیره معده اسب ترشح می شود . این همان قانون پاولف است و شرطی کردن حیوانات.

## قانون پاولف :

دانشمندی روسی به نام پاولف سر ساعتی معین به سگی غذا می داد و همزمان زنگی را به صدا در می آورد . بعد از مدتی غذا را قطع کرد و فقط زنگ را به صدا در می آورد. اینجا بود که متوجه شد پس از مدتی فقط با صدای زنگ هم شیره ی معده سگ ترشح می شود. از همینجا پی به موضوعی برد که بعدها قانونی شد برای تربیت حیوانات. همین قانون در امر تربیت اسب بسیار کاربرد دارد. مثلا می توان به تربیت اسب های سیرک با بهره گیری از قانون پاولف و شرطی شدن ، اشاره کرد. زمانی که تعدادی اسب با هم و همزمان در سیرک سر دست می زنند، همه بینندگان متعجب می شوند. اما این هماهنگی ناشی از تمرین هایی متناوبی است که اسب ها برای گرفتن هویج هایی که از بالای سر در جلوی پوزه آنها قرار گرفته، تلاش می کنند و هویج ها آرام آرام به بالا کشیده می شوند و مربی هم دستهای خود را بالا می برد . در نتیجه اسبها برای دستیابی به هویج ها سردست بلند می شوند. تمرینات تکرار و تکرار می شوند . در روز نمایش و در جلوی چشم بینندگان هویجی وجود ندارد و حرکت دست مربی تصویر هویج را تداعی می کند و اسبها به راحتی سردست بلند می شوند.

درست همین حالت در مورد اسبهایی که به خیابانها آورده می شوند تا رقص دست و پا را به اجرا بگذارند، اتفاق می افتد و آنها شرطی می شوند. برای آموزش این کار اسب را بر روی صفحه آهنی وسیعی بدون نعل، می ایستانند و آرام آرام آن را گرم می کنند و همزمان موزیک می زنند. صفحه که گرم می شود اسب به ناچار برای فرار از گرما دست و پاهای خود را به تناوب از زمین بلند می کند ، گویی که می رقصد. این کار را آنقدر با اسب تمرین می کنند ، که اسب به محض شنیدن آن موزیک خاص تصور می کند که سطح زیر پایش گرم می شود. بنابراین شروع به بلند کردن دست و پاهایش به

تناوب می کند. در روز نمایش در خیابان هم از صفحه آهنی داغ خبری نیست و فقط موزیک است که داغی کف را تداعی می کند. همین روش برای رقصاندن بز و خرس هم کارساز است.

در تربیت اسب در مانژ ابتدا از همین قانون استفاده می شود و سپس اثرها به تدریج جایگزین محرک ها می گردد. مثلاً برای راندن اسب به جلو فشار ساق با ضربه های آرام شلاق در پشت اسب و صدای نچ نچ همراه می شود. آرام آرام ضربات شلاق قطع و صدای نچ نچ هم حذف می گردد. اما اسب چون به ضربه های شلاق شرطی شده است، فشار ساق و صدای نچ نچ، ضربات شلاق را تداعی می کند، پس به جلو می رود.

از همین قانون پاولف برای به دهنه کردن حیوان نیز استفاده می شود. به اسب یاد داده می شود که با کشیده شدن دستگلوها و بالطبع فشار آهن تودهنه ای سر خود را نرم کرده و به خط عمود بر زمین نزدیک نماید، به طوریکه هر وقت اسب پاسخ مطلوب را ارائه نمود، سوارکار به عنوان تشویق، فشار را از روی دستگلوها بر می دارد و هرچه بیشتر دستان خود را نرم نگه می دارد.

در تربیت اسبهای زیبایی و نمایش هم مربی و یا شخصی که اسب را نمایش می دهد، در تمرینات در مثنی که دسته ی شلاق قرار دارد، هویج هم نگه می دارد و اسب را با دادن هویج کشیدن طناب دستگردان همزمان شرطی می کند و به این ترتیب اسب تشویق می شود تا سر و گردن خود را به جلو بکشد. روز مسابقه به هنگام نمایش اسب به داوران و تماشاچیان، هویجی در کار نیست و فقط طناب دست گردان تصویر هویج را تداعی می نماید.

همانطور که گفته شد از صداهای متفاوت هم می توان برای شرطی کردن حیوان استفاده کرد. مثلاً صدای نوک شلاق درساز، حالت شرطی کردن را ایجاد می کند. چراکه در تمرینات با ضربه ای به بدن اسب همراه است. اما در روز نمایش و زیبایی صدای شلاق، درد ناشی از ضربه شلاق را در ذهن اسب تداعی می کند. مثال بارز تر از کاربرد صدای شلاق، در مورد صدای شلاق لنژ است. اسبها بعد از مدتی کار در لنژ نسبت به صدای شلاق واکنش نشان داده و به جلو حرکت می کنند، چراکه صدای شلاق درد حاصل از ضربه شلاق را تداعی می کند، در صورتیکه دیگر ضربه ای به اسب زده نمی شود بلکه فقط صدای بند شلاق در هواست که کارساز می شود. کاربرد نچ نچ هم که در بالا مطرح شد، محرک صدای دیگری است برای شرطی کردن اسب.

در مورد تربیت اسب درساز که باید هرچه بیشتر از مغز و قوه تفکرش استفاده نماید، در مراحل اولیه از قانون پاولف که همان شرطی کردن است، استفاده می شود ولی به تدریج باید اثرها جایگزین محرکهای شرطی شدن شوند به طوریکه در مانژ مسابقات اصلا به نظر نمی رسد اسب شرطی است؛ چراکه یک اسب درساز نباید اصلا شرطی باشد. تفاوت اسب سیرک با اسب درساز هم در همین است، که اسب درساز باید ضمن تمرین بدنی، مغز خود را نیز به کار گیرد و از آن چنان سود جوید که گاهی حیوان در سطوح پیشرفته درساز، سرسام می گیرد و دیوانه شده و گویی در اجرای گامها گیج می شود. این هم فقط به این دلیل است که ظرفیت استفاده از قوه تفکر در اسب هم مانند دیگر حیوانات محدود است. ولی در سیرک کار به صورت مکانیکی است و به کاربرد مغز و تفکر نیاز نیست. اسب کارها را به امید پاداش زود یاد می گیرد و با رغبت انجام می دهد. اختلاف آموزش کار در سیرک و درساز اینچنین است.

گاهی این حالات شرطی شدن نتیجه معکوس هم می تواند داشته باشد. نمونه بارز آن وقتی است که خوراک به داخل اصطبل می آید؛ در نتیجه همه اسبها بی تاب شده و بر زمین پا می کوبند. مهتر هم به ترتیب برای آنها خوراک می ریزد. اسبها هم باور می کنند که بر اثر پا کوبیدن بوده است که خوراک به آنها داده شده است و آرام آرام پا کوبیدن به صورت یک رفتار نامطلوب بروز می کند. شاید دلیل این امر این است که اسبها هم مانند دیگر حیوانات قادر به برقراری رابطه علت و معلولی نیستند. تفاوت عمده انسان و حیوان هم در همین است. انسان قادر به تفکر است، اما حیوانات خیر. تا قبل از دکارت که انسان را موجودی متفکر نامید، بشر در برقراری تفاوت بین خود و حیوانات دچار تناقض می شد. این موضوع از آنجائی شکل واقعیت به خود گرفت که متوجه شد انسان رابطه علت و معلولی برقرار می کند و حیوانات قادر به برقراری این رابطه نیستند و به این دلیل برای تربیت اسب موضوع تنبیه به جز در مواردی خاص و آن هم به وسیله ی مربی ای آگاه در محدوده ی زمانی بسیار خاص قابل توجیه نیست. به عنوان مثال اسبی که پای جلوی خود را روی پای حمل کننده اش می گذارد، نمی داند چه می کند و اگر تنبیه شود، علت آن را نمی فهمد. در این مقوله باید عنوان شود که اسب شکار است و به این دلیل بسیار ترسو و عصبی و یکی از مهمترین عوامل پیشرفت امر تربیتی او تشویق های پیوسته و بی دریغ و احتراز از تنبیه های نا آگاهانه و نادانسته است. مربی باید همواره بین اسبی که نمی فهمد، نمی تواند و یا نمی خواهد تفاوت قائل شود و بیشتر هم و غم خود را صرف اصلاح ناتوانی های خود در القاء فرامین صادره به اسب کند.

## سوالات:

- 1- بهترین روش برای فهم رفتار اسبهای اهلی شده ، چیست؟
- 2- اسبها برای برقراری ارتباط و نشان دادن حالت خود از چه زبانی استفاده می کنند؟
- 3- چرا لازم است یک سوارکار و یا هر کس که با اسبها سر و کار دارد، زبان بدن اسبها را فرا گیرد؟
- 4- اسب شکار است یا شکارچی؟
- 5- حالاتی که در ذیل آمده است بیانگر چیست؟

- چشمان آرام و شفاف با نگاهی ملایم =
- چشمان کوچک با نگاهی نامهربان =
- چشم سفیدی =
- چشمان ناآرام =
- گوشهای آزاد و رو به بالا =
- گوشهای سیخ شده =
- گوشهایی به صورت بال هواپیما =
- گوشها به طرف جانبی خم شده اند ولی روزنه آنها به سمت عقب به طرف سوارکار است =
- گوشهای به عقب چسبیده =
- دم بالا =
- دم پایین =
- دم فرو رفته بین دو کپل =
- حرکت شلاقی دم =

6- حالات اعضای بدن اسبی که ترسیده است را بنویسید.

7- حالات اعضای بدن اسبی که بیمار است را تکمیل کنید:

حرکت =

سر و گردن =

گوش و چشم =

بینی و دهان =

بدن و دم =

8- جاهای خالی جدول زیر را کامل کنید.

حالت	حرکت	سر و گردن	گوش و چشم	بینی و دهان	بدن و دم
مطیع	قدم های آرام به جوانب بر میدارد	سر و گردن را کمی به نگیه می دارد	.....	می جود و بزاق نرمی بیرون می دهد	عضلات و دم را ..... می کند
مهاجم	به عقب بر می گردد و با شما رو در رو می شود	سر و گردن را نگیه می دارد	.....	دندان نشان می دهد و خرخر می کند و منخرین را گشاد کردن می دهد	عضلات را ..... می کند و دم را حرکت می دهد
هیجانی	تاخت می رود، می ایستد و دوباره شروع به تاخت رفتن می کند و می چرخد	سر و گردن را نگیه می دارد	.....	جیغ می کشد و باد به دماغش می اندازد منخرین ها را گشاد می کند	سفت مانده و دم را ..... می گیرد
عصبانی	به سمت شما حرکت می کند و دست به زمین می کوبد	سر و گردن را نگیه می دارد	نگاه را نگیه و گوشها را به سمت نگیه می دارد	دندان نشان می دهد و خرخر کردن	عضلات را منقبض می کند و دم را محکم می گیرد

9- این اسب به شما چه می گوید؟



10- مادیانی در هنگام شیردهی مرتب جیغ می کشد. شما فکر می کنید علت این امر چیست؟

11- قانون پاولف را شرح دهید.

12- تفاوت آموزش اسب سیرک با یک اسب درساز در چیست؟

13- اسبی را که دست جلویش را بر روی پای حمل کننده اش می گذارد و آن را ناخواسته لگد می کند، چرا نباید تنبیه کرد؟